

تأثیر تشیع بر ابنیه به قلم مرحوم جابر عناصری

قدس آنلاین: شیعه به متابعت از سیره رسول الله(ص) و در نظر گرفتن تقدس اماکن دینی و مذهبی، بنیانگذار زیباترین ابنیه ویژه نیایش و عبادت در جهان اسلام است.

به گزارش قدس آنلاین، «جابر عناصری» استاد برجسته تعزیه‌شناسی و پدر تعزیه دانشگاهی روز گذشته (28 فروردین) در سن 70 سالگی چشم از جهان فرو بست و در بهشت زهرا (س) تهران خاکسپاری شد. بنا به خواست آن مرحوم، مراسم ترحیم برگزار نخواهد شد و هزینه آن به مرکز خیریه امام علی اهدا می‌شود.

وی حدود چهار دهه در دانشگاه‌های تهران به تدریس و تحقیق مشغول بود و بیش از چهل کتاب و مقاله به رشته تحریر درآورد.

در پی درگذشت این استاد فقید تعزیه، یکی از مقالات وی بازنشر می‌شود. این مقاله تحت عنوان «تأثیر تشیع بر ابنیه، اماکن و زیارتگاه‌های مذهبی ایران» سال 1383 در شماره پاییز فصلنامه «شیعه‌شناسی» منتشر شده است.



در این مقاله، تأثیر تشیع بر ابنیه و اماکن مذهبی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. تشیع نه تنها بر نوع معماری و آذین‌بندی اماکن موجود اسلامی همچون مساجد تأثیر گذاشته، بلکه در ایجاد انواع دیگری از اماکن مذهبی همچون حسینیه، تکیه، سقاخانه، سقافار / سقاتالار، آب انبار، امامزاده و زورخانه نیز تأثیرگذار بوده و نمادهای مذهبی به وضوح در این‌گونه اماکن تبلور یافته‌اند.

* مقدمه

شیعه به متابعت از سیره رسول الله(ص) و در نظر گرفتن تقدس اماکن دینی و مذهبی، بنیانگذار زیباترین ابنیه ویژه نیایش و عبادت در جهان اسلام است.

هرچند صرف عبادت به درگاه پروردگار در پایه‌گذاری این مکان هدف اصلی بوده، اما جنبه‌های اجتماعی و رویارویی مردم و همدلی و چهره به چهره شدن و جامعه‌شناسی تعاون و همیاری(1) و همفکری در انجام فرایض دینی و رعایت تشریفات مذهبی نیز مد نظر بوده‌اند.

ژرژ گورویچ(2) جامعه‌شناس فرانسوی، می‌گوید: «هنگامی که تشریفات اجتماعی رو به زوال می‌گذارند، فضای آن تشریفات نیز رنگ می‌بازد.»

فضای الهی و نظرکرده این اماکن همیشه ایام روح‌بخش و دلنواز بوده است. به فرمان الهی و اطاعت حضرت محمد(ص)، پیامبر گرامی، نخستین مسجد در مدینه‌النبی ساخته شد، اما اهل تشیع از همان روز، با توجه به دل‌سپاری به خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام، سعی کردند هم در مسجد حضور یابند و گوش به موعظه‌های واعظان و نطقان بسپارند و - به اصطلاح - به دین و روش مسجد احترام بگذارند و هم با توجه به قداست آرامگاه و مشهد اولیاءالله، دریچه‌ای به سوی عبادت بگشایند و آیین عبادت در مسجد و زیارت در امامزاده‌ها و مرقد مطهر امامان را از نظر دور نسازند و تشریفات اجتماعی - عبادی را پررونق نمایند.

ایرانیان در این طریق، الحق که سنگ تمام گذاشته‌اند. ایرانی پیرو تشیع، گویی در زیارت کعبه، زادگاه امام همام علی‌بن ابی‌طالب(ع) و مذبح ذبیح کربلا، اسماعیل دشت نینوا، را به یاد آورده، گریزی به مصایب اولیاء می‌زند. ستایش و نیایش اهل تشیع ضمن برگزاری مناسک حج دیدنی است. مساجد شیعه مناظری از روضه خلد برین را مجسم می‌سازند و تربت شهدا همیشه ایام، عطرآگین، و صحن و سرای امامزاده‌ها پیچیده در گلبانگ‌های ایمان، هماره معطرند، و سقاخانه‌ها که وقف سقای لب تشنگان حضرت عباس‌اند، همواره منور، و آب انبارها به وقف، سیراب‌کننده مردم عطشان، و بقاع متبرکه محل عبادت مؤمنان جان شیفته، و حسینیه‌ها و زینبیه‌ها و عباسیه‌ها و مهدیه‌ها یادآور حشمت و عظمت اولیا و اهل بیت، و تکایا محل تجمع ذاکران و واعظان و خطیبان، و مکتب‌خانه‌ها هماغوش عطر گل محمدی و قدمگاه‌ها نظر کرده، و خانقاه‌ها ویژه سرسپاران مولی الموحّدین، حضرت علی‌بن ابی‌طالب(ع) ابوتراب، و ضریح اولیا و امامزاده‌ها مزین و منور به گل‌دانه‌های کلامی و اشعار دلنشین و همه یادآور شکوه و بزرگواری اولیاءالله‌اند و حتی سیاه‌چادرها و آلاچیق‌های عشایری - این کوچندگان ساده دل - با علم سپاه بر بالای خیمه‌ها یا گوشه‌ای از میدانگاه جلوی آلاچیق‌ها - این اماکن تابستانی - آراسته به کتیبه‌هایند و خیمه‌دوزان برای شبیه‌سازی در ایام عزاء، به تار و پود برگرفته از ریشه جان و تن، خیمه‌های زربفت بافته و کلمه «وقف» را در گوشه‌ای از این خیمه‌ها و علم‌ها و بیرق‌ها و بیدق‌ها و پرچم‌ها نشانده‌اند.

اهل تشیع با وقوف کامل از دارالاماره و دارالظلم و بیت‌الحزن و ماتم‌کده و عزاخانه و ماتم‌سرا توانسته‌اند در سرزمین قدسی مثال ایران، عرش و فرش و شهادتگاه را بازسازی نمایند و در صحنه‌آرایی نمایش شیعی و مذهبی تعزیه، جوهر جان صرف کرده‌اند. گویی بند بند دستورات اولیای الهی را در ساختن و برپا داشتن این بناها در نظر گرفته‌اند. زائرسراها در کنار امامزاده‌ها، وقف زوّار شیدا و بازارهای شهر و بازارهای موقت روزانه در روستاها در کنار این زائرسراها و نیایشگاه‌ها برپا شده‌اند و معماران با وضوی مهر در آراستن صوری این اماکن و ابنیه و در نظر گرفتن ابعاد معنوی و رمزی، دقت فراوان به عمل آورده‌اند. کمتر بنای مقدّسی سراغ داریم که گنبد زرنشان یا گل‌دسته‌های آراسته به کاشی‌های زیبا را از دوردست‌ها - از

این مکان‌های پر صفا - به رف چینی‌خانه چشم نیاورد. مردم عاشق اولیا هنوز هم وقتی به سرپرستی بلد راه (در زمان گذشته، توسط چاووشان) به نزدیک‌ترین نقطه قابل رؤیت این گنبدها و مناره‌ها می‌رسند، به عنوان مژدگانی، به بلد راه، گنبدنما هدیه می‌دهند. کاشی‌های بخش بیرونی این ابنیه، منقش به نقش عشق و ایمان شیعیان نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام هستند و آئینه‌کاری‌های درون ساختمان‌ها دیدگان زائران را منور می‌سازند. هنوز هم چاووشان به صوت جلی در سفرهای زیارتی از قداست و حرمت این صحن و سراها یاد می‌کنند.

*مسجد

... و خداوند را عبادت می‌کنیم به خاطر رحمت واسعه او، و سر بر سجده می‌نهیم به حرمت حقانیت حق، و مساجد را مطهر می‌سازیم به پاس رعایت تنظیف و نظافت در این جایگاه‌ها و ... پس ای خدا در سجده‌های ما! حضرت بی‌مثال! تو ربی الاعلی هستی. حمد تو را بجا می‌آوریم و در سبحان ربی العظیم تو را از هر عیبی منزه می‌دانیم و سپس فریاد برمی‌داریم که: «سمع الله لمن حمده». پس تو را ستایش می‌کنیم که آگاه از حمد و نیایش ما هستی.

در ایران زمین، از روزگار پارو پیرار، حرمت نیایشگاه در نظر گرفته شده و سرسپردگان به آیین تشیع در سجده‌گاه‌های خود، همواره در کنار اعمال عبادی، جنبه‌های زیبایی‌شناختی محلّ عبادت و آداب زیارت را رعایت کرده‌اند. در روند شکل‌گیری شهرها، مراکز مذهبی جایگاه خاصی داشته و نیایشگاه‌ها در شهرها و روستاها، در دل آبادی جای گرفته‌اند.

رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در مدینه النبی با معماری ویژه اسلامی و به موهبت الهی، مسجدی زیبا بنیان نهاد و شاید کمتر از نیم سده از تاریخ بنای این مسجد نگذشته بود که یک ایرانی نومسلمان و مؤمن در «پهره» یا «فهرج» (= یکی از چهار شهر آن روز یزد) با بهره‌گیری از ذوق و شوق همیاران و گرویدگان به آیین رسول الله (ص)، خداخانه‌ای برای همشهریان خود بنیاد کرد که خوشبختانه تاکنون از آسیب ویرانی و دست‌کاری بر کنار مانده است.

اما آنچه در تأثیر تشیع در معماری مساجد فرامی‌گیریم، به کارگیری عناصر و عوامل مؤثر در شکل‌گیری مذهب تشیع است. شیعیان ایرانی برای نماز و نیایش، هرگز محراب خونین شهید محراب علی بن ابی‌طالب (ع) - عاشق بی‌ریا و از سر بی‌خبر حضرت الله به عشق آفریننده جان‌ها - را فراموش نکرده‌اند و در حک و نقش و نفر، بعد از ذکر نام الله و پیامبرش رسول‌الله (ص)، نام اولیاءالله را بر روی محراب‌ها بازنویسه و در چرخاندن رخ به سوی محراب از عبادت بی‌ریای اولیا یاد کرده و سعی نموده‌اند بدان‌ها تشبّه جویند، که علی (ع) در کنار محراب، نگین اقتدار خود به سائلی بخشید و در جوار همان محراب به شهادت رسید و ... یادمان باشد که زیباترین توصیف در شأن و بلندای قامت این امام بی‌بدیل را از مآذنه‌های منقش و آراسته می‌شنویم که: «أشهدُ أنَّ علیاً ولیُّ الله.»

در همین مسجد است که از علی (ع) و اولاد علی علیهم‌السلام یاد می‌کنند و مجالس فراوانی برای مدح و منقبت و مراثی برای اولیاءالله تشکیل می‌دهند و هرگز از زبان مؤمنان نمی‌افتد که: «باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟...»

شاید یکی از شواهد برجسته در مساجد اهل تشیع، کتیبه‌بندی و نگارش اشعاری در وصف سرسپردگان تشیع است. نماز و نیایش به درگاه خداوند با مجد و عظمت رسول خدا (ص) و اهل‌بیت آن عزیز خدا ادامه می‌یابد و اصول و دستورات مذهبی مطرح می‌گردند.

مسجد یزد خواست، مسجد جامع اردبیل، مسجد جامع بروجرد، مسجد نیریز و مسجد سر کوجه محمدیه نایین و ... همه تماشایی‌اند. نام علی (ع) و اولاد او علیهم‌السلام در چهارگوشه این مساجد در گچ‌بری‌های زیبا تجلی یافته‌اند. مسجد جامع گلپایگان، مسجد میدان ساوه (به روزگار صفویان از باب ایمان، شیعیان محراب زیبا و دیدنی با گچ‌بری رنگین بر آن افزوده‌اند) نمونه‌های خوبی از این بناهای مقدّس‌اند. در زیر گنبد چشمگیر سلطانیه، هر آنچه می‌بینیم علی (ع) است و یاد علی (ع) و نام علی (ع) به حروف ابجد و ... مسجد علویان نایین، که گمان می‌رود بنیاد آن کهن باشد و در سده هشتم دو اشکوبه شده است، و مسجد جامع سمنان و ورامین که شیعیان سخت به عبادت در این مساجد دلسپارند، همگی نشان از به

کارگیری نمادها و نشانه‌ها از سوی شیعیان دارند و از برکت تأثیر تشیع، مساجد شیعیان از نظر ریخت‌شناسی و سیماشناسی، از بسیاری از اماکن مقدّسه دیگر ممتاز و متمایزند. جامعه شیعیان در مساجد ضمن عبادت، از بزرگواری اولیا بحث می‌کنند و در کنار هر پرچم و کتیبه‌ای شعری زیبا در مدح فرزندان رسول الله می‌نگارند. مسجد پرذله (میان‌ده) ابیانه، مسجد خوانسار و مسجد جمعه اردبیل، هر یک نشانی از محبت به اولیا در گوشه گوشه این بناها نشان می‌دهند. گاهی مسجد، محلّ اجرای مجالس تعزیه می‌شود، به ویژه مجلس تعزیه مربوط به شام غریبان و داستان «بجدل و ساربان» - این دو بی‌حیای غارتگر باقی‌مانده اموال امام حسین (ع) - که در مساجد اجرا می‌شود، اهل غرا سینه‌زنان به مساجد نزدیک می‌شوند و فریاد می‌زنند:

گلمیشوگ ای شیعه‌لر، شام غریبانه بیز / ویر مگه باش ساغلیقی زینب(س) نالانه بیز

یعنی: ای شیعیان، به مناسبت شام غریبان سینه‌دران آمدیم تا به زینب نالان سر سلامتی بدهیم.

و دیگر اینکه می‌گویند: آمدیم بهر عزا، اهل عزا!

جواب: خوش آمدید بهر عزا، اهل عزا!

* حسینیه

کیمیایی است عجب تعزیه‌داری حسین(ع) / که نباید ز کسی منتّ اکسیر کشید

«حسینی» یعنی منسوب به حسین (ع)، هر چه نوعی انتساب، ارتباط و شباهت با حسین (ع) داشته باشد. این پیوند میان حسین (ع) و حسینیان در تمام جلوه‌های زندگی عاشقان برقرار است. حسینیان در فکر و ایده و مرام، به مولای عاشقان، حسین (ع)، تشبّه می‌جویند. آنان کسانی هستند که رهرو راه خونین عاشورا و انقلاب اویند. شور حسینی، خطّ حسینی، نوای حسینی، عشق حسینی، نهضت حسینی، حماسه حسینی، حرم حسینی، عاشورای حسینی، عزای حسینی و ... یعنی شور و حماسه‌ای که همچون شور آن حضرت برخوردار از حماسه و عزّت و خروش است، و «حسینی» مکانی است برای اقامه سوگواری برای اباعبدالله الحسین (ع). شاید روی آوردن شیعه به حسینیه، در دوران‌های کهن به خاطر آن بوده است که مساجد، اغلب در اختیار و سلطه حکومت‌هایی بوده‌اند که برای تشیع و اقامه عزاداری و مراسم و مناسک مذهبی شیعه، محدودیت‌هایی ایجاد می‌کردند. در ایران، در گوشه و کنار شهرها و روستاها، حسینیه‌های فراوانی به چشم می‌خورند که همه از باب محبّت به حسین (ع) ساخته شده و گاهی به عنوان زائرسرا برای زوّار نیز در نظر گرفته شده‌اند؛ مثل حسینیه آذربایجانی‌ها، تهرانی‌ها، اصفهانی‌ها و ... که در شهرهای نجف، کربلا، مشهد و ... از این‌گونه فراوانند.

در مناطق هند، به حسینیه، «امام‌باره» می‌گویند. در برخی از نقاط آسیای میانه نیز حسینیه‌هایی که می‌ساختند، به «مسجد شیعه‌ها» معروف می‌شدند. یکی از حسینیه‌های معروف ایران، «حسینیّه مجتهد» در شهر اردبیل و دیگری بخشی از تکیه معاون الملک کرمانشاه و مشهور به حسینیه است که در کنار زینبیه و عبّاسیه قرار دارد و در کاشی‌های منقّش این صحن و سرا، بسیاری از وقایع مربوط به کربلا نقش بسته‌اند. همیشه به تعمیر این حسینیه‌ها و رعایت ادب و در نظر گرفتن آداب ورود به حسینیه‌ها سفارش شده است. تأثیر مستقیم تشیع از دیرگاه در به وجود آمدن چنین مکان مقدّسی کاملاً آشکار است. یا حسین (ع):

دست تمنّای همه سوی تو / مرغ دل ما همه در کوی تو

* تکیه

ز دوستان و محبّان سیدالشهدا / به دستیاری هر کس، شده است تکیه پیا

تأثیر تشیع در برپایی تکیه‌ها و عزاخانه‌ها انکارناپذیر است. معمولاً تکیه به عنوان محلّی برای عزاداری سیدالشهداء (ع)، به ویژه در دهه محرّم، ساخته و برپا می‌شود. البته این‌گونه اماکن غیر از تکیه‌های دایمی هستند. «تکیه» در حقیقت، پس از

مسجد پایگاه معنوی مسلمانان، بخصوص شیعیان، به حساب می‌آید؛ جایی که مردم با تعزیه‌خوانی و سوگواری برای سالار شهیدان و یاران وفادارش، به او متوسل و متکی می‌شوند.

تکیه با تعزیه و عزاداری عجین گشته است. به نظر می‌رسد در قلمرو آداب و رسوم صوفیان، تکایا - از دیرگاه - اماکن خاصی برای اجرای مراسم عارفان و مکمل خانقاه به حساب آمده‌اند.

اما تأثیر تشیع در چنین مکانی نخست از باب مهر به قطب الاقطاب حضرت ابوتراب علی بن ابی‌طالب (ع) و سپس نقش اصلی آن برای عزاداری و به ویژه در حیطة هنر قدسی شبیه‌خوانی و تعزیه بوده است.

بخش‌های تکیه

ترکیب ساختمانی تکیه‌هایی که به صورت ثابت، محل اجرای تعزیه بوده (و هم‌اینک در برخی از تکایا رعایت می‌شود) عبارت است از:

- سگویی در وسط ساختمان، به بلندی نیم تا سه ربع ذرع که جای اجرای تعزیه و موسوم به «مصطبه» بوده است.

- دو ردیف پلکان دو سه تایی - در طرفین سگوبرای بالاوپایین رفتن شبیه‌خوانان.

- گذرگاهی محیط بر سگو که آن هم جزو عرصه نمایش مذهبی و معمولاً جای اسب‌تازی و جنگ و جدل میان اولیا و اشقیا بوده است.

- غرفه‌ها و طاق‌نماها برای حضور تماشاگران؛ این غرفه‌ها دور تا دور تکیه ساخته می‌شدند.

- دیوارهای تکیه با کتیبه‌های سیاهی که اشعاری در سوگ خاندان حضرت امام حسین (ع) بر آن نقش بسته بودند پوشانده می‌شدند.

- پرچم‌ها و علامت‌ها و «گتل» (= Kotal)ها؛ یعنی پرچم‌های رنگی استوانه‌ای شکل مخصوص هر تکیه که در جای مناسبی جلوی چشم مردم قرار می‌گرفتند.

ورود و خروج اسب‌سواران از سگوهای شیب‌دار در کنار سگویی اصلی صورت می‌گرفت.

شیوه پذیرایی در تکیه‌ها

تکیه‌ها دارای طاقنماهایی بود که هر کدام یک نفر متصدی داشت. او می‌بایست از حاضران در مجلس با خرما و حلوا و شربت پذیرایی نماید. به محض اینکه تازه‌واردی به طاق‌نما وارد می‌شد، متصدی آن طاق‌نما، پس از ریختن گلاب از گلاب‌پاش به کف دست او، در سینی کوچک و ورشویی و نعلبکی بلوری و استکان مخصوص، قهوه یا چایی تعارف می‌کرد. اگر عزاداری در هنگام تابستان بود، شربت و آب یخ‌گردانده می‌شد. همچنین به دنبال شربت، چای و قلیان می‌آوردند. هزینه پذیرایی در طاق‌نماها را صاحب و مسئول هر طاق‌نما و یا مردم خیر (به وقف و نذر) متقبل می‌شدند.

در تهران و شهرهای دیگر ایران، تکایای گوناگونی برای عزاداری وجود داشتند. افزون بر ایران، در کشورهای همجوار نیز تکایا و ماتمکده‌هایی وجود دارند. به گفته ابن اثیر در سده دهم ه. ق در شهر بغداد برای مراسم محرم، فضایی باز و سرپناهی برای شرکت‌کنندگان در مراسم در نظر گرفته می‌شد. از جمله تکیه‌های معروف تهران، که اهمیت داشتند، می‌توان از این تکایا نام برد:

تکیه زنبورک‌خانه، تکیه دباغ‌خانه، تکیه قمی‌ها، تکیه چهل‌تن، تکیه نوروزخان، تکیه عودلجان، تکیه هفت تن، تکیه حاج میرزا آقاسی، تکیه درخونگاه، تکیه سرپولک، تکیه سلطنت‌آباد، تکیه نیاوران و بخصوص تکیه معروف دوره قاجار «تکیه دولت» که محلی بود در مرکز تهران در عصر ناصرالدین شاه قاجار که محل اجرای تعزیه‌های مهم در روز عاشورا و سایر ایام عزاداری

محسوب می‌شد. این تکیه پشت ساختمان بانک ملی کنونی بازار روبه‌روی سبزه میدان واقع بود. در سال 1327 ه. ش این محل تخریب گردید.

تکایای معتبری هم در شهر مذهبی قم قرار دارند که اسامی برخی از این تکایا عبارتند از: تکیه باغ پنبه، تکیه پنجه‌علی، تکیه متولّی باشی، تکیه شاه‌خراسان، تکیه گذرچدا، تکیه بزرگ، تکیه ارک، تکیه گذر صادق. تکیه شهر نطنز نیز با اصول معماری دقیق ساخته شده است.

اما یکی از تکایای برجسته ایران، که در واقع موزه کاشی ایران محسوب می‌شود و از نظر نقش و نگار و نگاره‌های مذهبی در خور تأمل است، «تکیه معاون‌الملک» کرمانشاه می‌باشد. این تکیه مشتمل بر سه بنای «حسینیه»، «زینبیه» و «عبّاسیه» است. این تکیه دو حیاط و یک عمارت در میان دارد و دیوارها و قسمت‌های گوناگون به طور کلی پوشیده از کاشی‌های گوناگون با رنگ‌های متنوع و زیبا هستند. بانی تکیه مرحوم حسن معینی، معروف به «معین‌الرعايا» بوده که در سال 1320 ه ق به ایجاد آن همت گماشته است. چون در واقعه مشروطیت، بخشی از تکیه توسط مستبدان آسیب دید، معاون‌الملک در سال 1331 ه. ق تکیه را احیا و خرابی‌های آن را ترمیم کرد و به همین دلیل، بنا به نام وی معروف شد.

در شیراز نیز زمانی «حسینیه شیر» گل سرسبد تکیه‌ها و حسینیه‌های آن دیار بود که متأسفانه از جور روزگار، آتش به جان این حسینیه افتاد و طومار عمر این حسینیه را درهم پیچید.

هنگام ورود به تکایا، اشعار جانسوزی به خط جلی به روی کاشی یا سنگ و چوب و گچ نوشته شده‌اند. وقتی قدم به صحن و سرای «تکیه معاون‌الملک» می‌گذاری، این اشعار توجهت را به خود جلب می‌کنند:

سر زنان، سینه‌زنان، پای در این بقعه گذار / کاین بنا غمکده واقعه کرب و بلاست

می‌نبینی تو مگر ز اندوه و غم، آب و گلش / کابش از چشمه چشم است و گل از خاک عزاست.

در گوشه‌ای از صحن تکیه‌ای در قم نیز چنین نبشته است:

تا نسوزد جگرت، دیده نگرید ای دوست اشک بر هر دل غم‌دیده و هر درد نکوست

تا نسوزی ز غم خسرو لب تشنه حسین(ع) / دل نداری به خدا، دیده و دل هر دو از اوست

این‌ها همه از تأثیر تشییع و بزرگان مذهب شیعه و کرامت و عنایت این بزرگواران است که خاک بی‌مقدار را به نظر کیمیا می‌کنند. مردی مؤمن و خدانشناس از تبار عاشقان سیدالشهدا (ع) وقتی از شدت و حدت عزاداری در تکیه متولّی باشی قم سخن می‌گوید، اشک بر دیده می‌آورد و خاطراتی بازگو می‌کند:

«... خدا شاهد است که اگر اشک‌هایی را که در طول سالیان متمادی در این تکیه ریخته شده، جمع‌آوری کرده، به یکبارہ در آن بریزند، سیل اشک از بالای دیوار آن به بیرون خواهد ریخت...»

حسین بن علی (ع) آن حجّت حق جمال حق تعالی، نور مطلق

اگر خون و قیام او نبودی کجا اسلام و قرآن داشت رونق

*** سقاخانه**

ای پدر جان، تشنه‌ام سقّای آب‌آور کجاست؟ / تشنه کامم ای پدر، عبّاس غم‌پرور کجاست؟

نالها بر پا بود از شیون و افغان ما / می‌رسد فریاد ما از تشنگی بر هر کجا

(زبان حال حضرت سکینه علیهاالسلام)

«سقا» پخش کننده آب را گویند و «سقاخانه» جایی را نامند که در آنجا برای تشنگان آب ذخیره نمایند و آنجا را متبرک دانند. «سنگاب» ظرف بزرگی است که از سنگ سازند و در حیاط مساجد و امامزاده‌ها و تکایا جای دهند و در آن آب ریزند تا تشنگان از آب آن بنوشند.

مولانا واعظ کاشفی سبزواری (متوفی در اوایل قرن دهم ه. ق) در کتاب بی‌نظیر فتوت‌نامه سلطانی (باب ششم) در وصف سقایی و سقایان چنین می‌نویسد:

«... اول کسی که از پیامبران سقایی کرد، حضرت نوح (ع) بود. زمانی که نوح به کشتی می‌نشست، [از سوی خداوند] آمد که آب شیرین با خود به کشتی بر، که آب طوفان، یک عذاب است و خوردن را نشاید... نوح هر روز دو بار بر اهل کشتی آب می‌داد؛ بدین ترتیب که سبویی از خم برداشتی و پیمانہ در دست گرفتی و هر یک از اهل کشتی را پیمانہ آب دادی.

دوم از پیامبران، حضرت ابراهیم بود و از پوست قوچ قربانی شده به جای فرزندش اسمعیل، خیکی ساخت و در روزهای گرم از آب پر می‌کرد و بر چهار پا می‌نهاد و در صحرا، هر کجا تشنه‌ای یافتی، او را آب دادی.

سومین پیامبری که سقایی کرد، حضرت خضر بود و او پس از قدم نهادن در ظلمات، با خود عهد کرد که اگر آب حیات نصیب من شود، به هر کس که تشنه باشد، آبی رسانم تا تشنه حیات را مدد کار باشم.

چهارمین و آخرین پیامبری که سقایی کرد، حضرت ختمی مرتبت بود.

بنا به قولی، نخستین سقا در تاریخ شیعه، حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) است. او در جنگ احد تشنگان را آب داد، فردای قیامت، ساقی حوض کوثر خواهد بود و در صحرای محشر، تشنگان را سیراب خواهد کرد.

دوم عباس بن علی (ع) بود که روز عاشورا در صحرای کربلا، عزم جزم کرد تا تشنگان اهل بیت را سیراب کند. پس از کسب رخصت از امام حسین (ع)، عباس (ع) فرصت یافت و کنار فرات آمد و مشک آب را پر کرد. چون خواست که آب بنوشد، تشنگی اهل بیت را به یاد آورد. پس آب نخورد و مشک به دوش کشید. اما... ملعونان گرد وی درآمدند و دست‌هایش بیفکندند. پس هر کس به عشق شهیدان کربلا، به متابعت عباس بن علی (ع) سقایی کند، اجری اخروی نصیب او شود...»

به این دلیل است که مردم پس از نوشیدن آب و رفع عطش، به عنوان سپاس می‌گویند: «آب زمزم / کوثر نصیبتان شود.» «اجرتان با سقای کربلا، حضرت ابوالفضل (ع)»

در قالب بحر طویلی زیبا، شاعری (وصاف کاشی) به تفصیل از سقای دشت کربلا یاد کرده و شجاعت و غیرت او را ستوده است. بخشی از این بحر طویل را از باب تمین و تبرک ذکر می‌کنیم:

«... ز هر خیل و ز هر فوج ببارید بر او بارش پیکان و ننالید ابوالفضل ز انبوهی عدوان، همی یک تنه می‌تاخت به میدان و خود از کشته‌شان پشته همی ساخت، که ناگاه لعینی ز کمینگاه یکی تیغ بر او آخت، که دستش ز سوی راست بینداخت. ولی حضرت عباس وفادار، چو مرغی که به یک بال برد دانه سوی لانه به منقار، به دست چپ او تیغ شرربار، همش مشک به دندان و بدرید زعدوان، زره و جوشن و خفتان، که ناگاه لعین دگر از آل جفا، دست چپش ساخت جدا، شد به رکاب هنر از کوشش و تا کرد دلیران دغا از بر خود دور، تنش از زخم بُدی پُر، بُد او خرم و مسرور، که شاید ببرد آب بر کودک بی‌تاب سکینه که بُد آرام دل باب، سواریش نماند، از زبر زین به زمین گشت نگونسار، یکی ناله برآورد که ای جان برادر! چه شود گر به دم بازپسین شادکنی خاطر ناشادم و بستانی از این لشکر کین دادم و سر وقت من آبی که سرم شق شده از ضربت شمشیر؟ دگر گر به تن اندر رمقی هست، که فرصت رود از دست. دگر ای غم زده «وصاف»، مکن وصف بلاهای نصیب شه تشنه لب کرب و بلا را.»

سقاخانه‌ها را می‌توان پدیدارهایی اجتماعی - مذهبی با قدمتی دیرینه نامید که در آن‌ها، «آب» این عنصر حیات‌بخش (و جعلنا من الماء کل شیء حی) به رایگان در اختیار رهگذران تشنه قرار می‌گیرد. اما در پس این تعریف ساده و کوتاه، فرهنگی کهن و ارزشمند نهفته است. سقاخانه‌ها در نظر مسلمانان و به ویژه اهل تشیع، همواره از جایگاهی مکرم و حرمتی خاص برخوردار بوده‌اند.

اولین موضوعی که در بررسی سقاخانه مورد توجه قرار می‌گیرد «آب» است. باید توجه داشت که آب سقاخانه‌ها در نظر مریدان آن، یک آب معمولی نیست، بلکه عنصری است مقدس، شفای دردهای جسمانی و آرام‌بخش روح‌های پریشان. این آب نشان از ایمان دارد، از ایثار، از فداکاری و محبت و بالاخره، نشان از شهادت. حقیقت این است که والاترین و متعالی‌ترین مفهوم اجتماعی - اعتقادی «آب» را در مذهب شیعه می‌توان یافت؛ آنجا که آب را مهریه حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام قرار داده‌اند. آب علاوه بر تمامی مفاهیم مزبور، نمادی از گذشت و فداکاری و سپس شهادت است. و این است همان فلسفه اصلی انفاق آب و احداث بنای کوچک سقاخانه.

شاید دلیل اصلی احداث سقاخانه‌ها از طرف بنیان خیر آن‌ها، به‌طور عمده دو چیز بوده است: یکی تمسک به عملی خیر برای سقای مردمان، که از قدیم الایام بدان توجه خاصی می‌شده است؛ و دیگری یادآوری حادثه عاشورا و واقعه کربلا و خاطره تشنگان شهید از جور و ستم اشقیاء، که این در کشورهای شیعی مذهب، از مهم‌ترین دلایل احداث سقاخانه‌ها به شمار می‌آید.

اغلب سقاخانه‌ها از طرف بنیان آن‌ها، برای استفاده همگانی «وقف» می‌شده‌اند. هرگاه هنرمند ایرانی عنایتی به این ابنیه داشته، آن‌چنان شور و زیبایی در آن به یادگار گذاشته که هنر، نوشنده آب از این سقاخانه‌ها را محو و واله عظمت ایمان و عشق به بزرگواران شهید نموده و ارزش این آب انفاق شده را تا حدّ آب کوثر بالا برده است.

معماری سقاخانه‌ها

از نظر معماری و شکل بنا، سقاخانه‌های تهران و بسیاری از ولایات را می‌توان به‌طور نسبی در سه گروه کلی جای داد و خصوصیات مشترکی نیز برای هر گروه تعریف کرد:

گروه اول سقاخانه‌هایی که ساختمان آن‌ها با بناهای اطراف خود پیوند و دل‌بستگی ندارد و به تعبیری، مستقل هستند. این بناها معمولاً مکعبی شکل بوده و گاه به صورت بنایی استوانه‌ای و یا هشت گوش ساخته می‌شوند، به گونه‌ای که از چهار جهت نما دارند و قابل بهره‌برداری می‌باشند.

گروه دوم را، که در تهران از کثرت بیشتری برخوردارند، می‌توان «سقاخانه‌های دکائی شکل» نامید. نمای کلی این سقاخانه‌ها به گونه دکانی نیم بایی یا یک بایی است که در کنار مجموعه‌ای از دکان‌ها و یا منازل و بناهای اطراف قرار گرفته‌اند. محلّ احداث این نوع سقاخانه‌ها بیشتر در کنار معابر اصلی و پر رفت و آمد شهر است.

گروه سوم را می‌توان «سقاخانه‌های رفی شکل» نامید. این گونه سقاخانه‌ها در شکل کلی، کاملاً وابسته به بنای همراه خود هستند و از نظر تملک جزئی از بنای خانه یا مسجد مجاور خود محسوب می‌شدند. نمای عمومی این گروه از سقاخانه‌ها، که غالباً کوچک و محقر هستند، به صورت فرورفتگی مختصر رف مانند یا تاقچه مانندی در دیوار بنای پشتی خود می‌باشد. این گروه از سقاخانه‌ها بیشتر در معابر فرعی و کوی‌ها قرار دارند و فاقد وقف‌نامه‌ای مستقل هستند. صاحبان منازل یا بناهای اصلی، که در واقع این سقاخانه‌ها جزئی از آن‌ها محسوب می‌شوند، عموماً خود بانی این مکان‌ها بوده و مخارج سقاخانه‌های رفی را شخصاً تقبل می‌کرده‌اند.

تزیینات سقاخانه‌ها

تزیینات معماری در سقاخانه‌های عموم شهرهای ایران، از جمله تهران، از نظر مصالح و شکل استفاده در بنا، در سه گروه عمده قابل بررسی می‌باشند:

گروه اول. تزیینات سنگی و آجری سقاخانه‌ها هستند که از اجزا و مصالح ساختمانی خود بنا و یا روکار آن محسوب می‌شوند. به دلیل کوچکی فضای سقاخانه، این نوع تزیینات و آجرچینی‌ها غالباً به طور محدود و ساده در خارج بنا، بخصوص سردر و ازاره و گه‌گاه نیز در نمای بیرونی درگاه سقاخانه‌ها ایجاد شده‌اند. گاهی از قطعات سنگی نیز برای ایجاد استقامت بیشتر در قسمت خارجی بنای آجری سقاخانه‌ها استفاده می‌کرده‌اند.

گروه دوم. بخشی از تزیینات سقاخانه‌های تهران را انواع کاشی‌کاری‌های موجود در آن‌ها تشکیل می‌دهند. معمولاً سقاخانه‌های شهرستان‌ها نیز این‌گونه‌اند. هر بنای سقاخانه، هر قدر هم که کوچک و محقر باشد، دارای فضای کاشی‌کاری شده‌ای دست‌کم به عنوان پوششی محقر برای کف سقاخانه است. کاشی‌های تزیینی به کار رفته در برخی از این بناها، غالباً از نوع کاشی هفت رنگ تهیه می‌شوند. در میان کاشی‌های در نظر گرفته شده برای سقاخانه‌ها، کاشی‌های کتیبه‌دار از محبوبیت والایی برخوردارند. از نمونه طرح‌هایی که مکرر در کاشی‌کاری سقاخانه‌ها مشاهده می‌شود، صحنه‌هایی از واقعه عاشورا و تمثال مبارک ائمه اطهار علیهم‌السلام به ویژه سیدالشهداء و حضرت ابوالفضل علیهما‌السلام هستند که گاهی سوار بر اسب و زمانی پیاده، در حالتی که زره پوشیده و علمی در دست دارند، یا مشک آب بر شانه مجسم شده‌اند. این تصاویر به ظاهر ساده، تأثیر زیادی بر هر بیننده دل سوخته‌ای می‌گذارند و شاید به همین دلیل، شکل‌گیری سبکی به نام - مکتب سقاخانه - در هنر نوین ایران را سبب شده‌اند.

گروه سوم. بخشی از تزیینات معماری سقاخانه را می‌توان آئینه‌کاری دانست که معمولاً به سبک آئینه‌کاری‌های سایر اماکن مذهبی، همچون مساجد و بقاع متبرکه و امام‌زاده‌ها انجام می‌شود.

کتیبه‌نویسی در سقاخانه‌ها

اصولاً کتیبه‌نویسی در بناهای سنتی - مذهبی، جایگاه ویژه‌ای دارد و مکان‌های کوچک و مقدس سقاخانه‌ها نیز غالباً از این مشخصه دور نیستند. گذشته از کتیبه‌هایی که صورت وقف‌نامه دارند و یا معرّف نام «بانی» یا «واقف» هستند، اهل ایمان و ذوق به خطّ خوش فضای سقاخانه‌ها را آراسته‌اند. این نوشته‌ها به طور عمده از ادبیات غنی عاشورا و تعزیه منشأ گرفته و از این طریق، رهگذران را به لحظه‌ای تأمل و نوشیدن آب به یاد لب تشنه آن بزرگواران شهید در صحرای کربلا دعوت می‌کنند:

آبی بنوش و لعنت حق بر یزید کن / جان را فدایی مرقد شاه شهید کن

(مصرع دوم گاهی چنین آمده است: یاد از لبان تشنه شاه شهید کن)

هر که آبی ز جام ما نوشد / خلعت از شاه کربلا پوشد

این ابیات، تذکارتی هستند بر شهادتِ مظلومان دشت کربلا و حاجت‌خواهی از آن بزرگواران:

عبّاس، (ع) ای شهید گروه مخالفان دارم به دل یقین که تویی ماه انس و جان

کن حاجتم روا تو به حق برادرت ای خسرو زمانه و سقّای کودکان.

آبی دهم به یاد لبانت، حسین(ع) حسین(ع)

بر شیعیان به ماه عزایت، حسین(ع) حسین(ع)

بارید خون ز دیده کزوبیان عرش

کردی تو چون قبول شهادت، حسین(ع) حسین(ع).

زبان حال حضرت عباس(ع):

مأمورم آنکه آب رسانم به خیمه گاه / بر کودکان شه لب تشنگان دهم

نوش جان کن شیعه، این آب از ره مهر و وفا

یادآور از لب خشک شهید کربلا

یاد آور از لب عطشان عباس(ع) علی(ع)

پور حیدر، آن علمدار حسین(ع)، پور علی(ع).

در قلمرو پیوند اشیا و اشعار در حیطه شعر (عامیانه و رسمی و مکتوب)، نمونه‌هایی از تجلی احساس مردم را در قالب شعر، بر روی کاشی‌ها یا حاشیه لیوان‌های مسی موجود در سقاخانه به نظاره می‌نشینیم و با هم - با شاعران دل‌سوخته - این شاه بیت‌های دلنشین را زمزمه می‌کنیم:

این ندا از عالم بالا رسید / مزد آب، آن است: لعنت بر یزید

بررسی نمادین تزئینات داخلی و خارجی سقاخانه‌ها

به نظر دل‌سپردگان به سقاخانه‌ها، هر یک از عناصر سازنده سقاخانه، مفهوم و مضمونی در بردارد.

شبکه و پنجره مشبک فلزی اغلب به رنگ طلایی و نقره‌ای یادآور مزار اولیاست؛ قبه‌های روی مخزن آب، بقعه و آرامگاه شهدا را به یاد می‌آورد؛ دست‌افراشته بر فراز هر قبه، نشانه پنج تن آل عبا و نشان مخصوص دست و پنجه مبارک حضرت عباس(ع) است؛ نوشته‌های اطراف سقاخانه، آیاتی از قرآن، شعارهای مذهبی یا اشعاری در مدح و ثنا و رثای امام حسین(ع) و حضرت عباس(ع) هستند؛ مانند:

«السلام علی الحسین(ع) و علی بن الحسین(ع) و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین(ع)». لعنة الله علی قاتل الحسین(ع) السلام علیک یا اباالفضل العباس(ع).

ساقی تشنه لبان روی به دریا می‌کرد / ساغر وصل ز معشوق تمنا می‌کرد

شد دل شط فرات از عطش او بی تاب / چون تماشا، لب خشکیده سقا می‌کرد

شاه‌بیت‌هایی از دوازده بند محتشم کاشانی رحمة الله نیز به خط جلی، نمای سقاخانه را آذین می‌بندند:

از آب هم مضایقه کردند کوفیان / خوش داشتند حرمت مهمان کربلا.

تجلی سقاخانه در آیین فرهنگ عامه

سوگند به صاحب سقاخانه‌ها، حضرت عباس(ع) علمدار، از قسم‌های بسیار مهم مردم، و در نظر گرفتن موقوفاتی برای این مکان‌ها از عمده مسائل مرتبط به باقیات صالحات بوده است.

هنوز هم مادران به هنگام زمزمه لایلی‌ها برای کودکان خود، از ساقی دشت بلا یاد می‌کنند. ضرب‌المثل‌هایی هم ویژه سقاخانه‌ها هستند؛ مثلاً، «از سقاخانه شمع دزدیدن» کنایه از انجام عمل خلاف و نشانه اوج خلاف کاری است.

«از سقاخانه شمع کشیدن» دربرگیرنده مضمونی خاص است. در سابق، اگر کسی مورد ظلم قرار می‌گرفت، شمع‌ای از سقاخانه‌ای برمی‌داشت و نذر می‌کرد هر گاه ظالم به جزای عمل خود برسد و مظلوم به حق خود دست یابد، در عوض، بسته‌ای شمع به آن سقاخانه پیشکش نماید.

افسانه‌های بسیاری در باب توسل مردم به این سقاخانه‌ها در گنجینه سینه مردم و بخصوص پهلوانان وجود دارند.

سنگاب

در گذشته، علاوه بر واژه «سقاخانه» از واژه‌هایی مانند «سنگاب» نیز استفاده می‌شد. البته میان سقاخانه‌هایی که آب آن را متبرک می‌دانسته‌اند و سنگاب‌ها تفاوت‌هایی وجود دارند. با این حال، به حرمت آب و در نظر گرفتن احادیثی از اولیا، تهیه سنگاب‌ها هم نوعی وظیفه شرعی برای شیعیان در نظر می‌آمد.

در حدیثی از امام محمد باقر (ع) می‌خوانیم: «... خداوند آب دادن به جگر تفتیده را دوست دارد.»

در حدیثی دیگر از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است: «... برترین و بافضیلت‌ترین صدقه، آب دادن است به جگری تفتیده...»

سنگاب‌ها و سنگاب‌خانه‌های بسیاری در نقاط مختلف ایران، بخصوص مراکز مذهبی و از جمله شهر مقدس قم، وجود داشته و شاعران آل الله در ارتباط با شأن شهیدان اشعار نغزی سروده و بر روی این سنگاب‌ها نقش نموده‌اند:

آبی بنوش و تشنه لبان را تو یاد کن / لعنت به شمر و خولی و ابن زیاد کن

نوشید آب و لعن به سفیانیان کنید / یاد از شهید خنجر و تیر و کمان کنید

سقاخانه از دیدگاه یک محقق خارجی

پیتر لمبورن ویلسون (Peter Lamborn Wilson)، محققی از مغرب زمین (قریب یک قرن پیش) در مقاله‌ای تحت عنوان «سقاخانه» از این بنای مذهبی و شیعی در ایران یاد می‌کند و می‌نویسد: هنگامی که در ایران، از بازارچه‌ای می‌گذرید و یا از کوچه محله‌ای قدیمی رد می‌شوید، به یک تورفتگی برمی‌خورید که در دیواری تعبیه شده است و پنجره مشبک آهنی، قسمتی از آن را می‌پوشاند.

داخل تورفتگی، شیرهای متصل به مخزنی - پشت دیوار - با مخزن بزرگ آب می‌بینید. این مخزن، که به شکل استوانه‌ای از مس ساخته شده، گاهی به تزیینات، آراسته است؛ بالایش سه قبه دارد. از روی قبه میانی، که از دو قبه دیگر بزرگ‌تر است، پنجه دست زیبایی برافراشته است که رویش با خط خوش، کلماتی را به صورت مشبک نوشته‌اند. چندین پیاله آبخوری سنگین مسی با زنجیر به مخزن وصلند.

از دیوار تورفتگی، شمایل‌هایی به رنگ‌های درخشان آویزانند و دور و بر مخزن آب، شمع‌هایی گذاشته‌اند که بعضی روشنند و بعضی سوخته‌اند. نوارهایی از پارچه‌های رنگی (به ویژه سبز) به میله‌های پنجره مشبک بسته‌اند.»

به عقیده ویلسون، تصاویر منقش بر کاشی‌های سقاخانه‌ها و نمادپردازی‌ها، از حد و مرز مباحث مادی بسیار فراتر می‌روند. اگر در ماهیت انتزاعی و اصیل شکل‌های نمایشی تعزیه و قدرت نیرومند تصاویر سقاخانه تأمل کنیم، پی می‌بریم که «... تشییع حتی در عامیانه‌ترین سطح خود، نه تنها از استعلای خاص اسلام، بلکه استعلایی از آن خویش بهره‌مند است...»

در مورد سقاخانه و سقاییت و سقایی، در کتب معتبر ایرانی و خارجی، اشاره‌های فراوانی وجود دارند و تأثیر مذهب تشییع در این بناهای مذهبی را توصیف می‌کنند.

نگاهی به مکتب هنری موسوم به سقاخانه

تقریباً از سال 1340 جمعی از هنرمندان با استفاده از طرح‌های مذهبی و نقوش و موتیف‌ها (خرده نقش‌ها)ی مذهبی، موجد یک موج هنری موسوم به مکتب یا سبک «سقاخانه» ای شدند؛ یادی از حرم و تکیه و حسینیه. حال و هوای این‌گونه کارها در نقاشی و دیگر کارهای هنری همین بود:

بوی روضه و گریه، روشنی شمع و برق طاس‌های برنجی، صدای صلوات و یا حسین (ع)، و فدای لب تشنه‌ات یا اباعبدالله. به طور کلی، حال و هوا مذهبی بود، ولی نه در حد مسجد شاه اصفهان رفیع و فخیم، و نه در حد مسجد سپهسالار تهران سترگ، بلکه در حد سقاخانه گذر.

طرح‌ها و نقش‌های سنتی - مذهبی برگرفته از فضای آرام و صمیمی و پر از خلوص سقاخانه‌ها و تکیه‌ها، امکان همه‌گونه ترکیب و تجزیه را در زمینه هنر نوین، به هنرمندان سقاخانه‌ای می‌دادند که همه در نوع خود بدیع و زیبا بودند.

در اینکه چرا این موج هنری خاص «مکتب سقاخانه» نام گرفت، توجیحات متفاوتی وجود دارند. اصولاً سقاخانه‌ها یکی از مراکز زیارتی مهم در تشیع محسوب می‌شوند. مراسم تعزیه، که در محرم (و گاهی در سایر ایام) برپا می‌شود نیز، شاید بیش از سقاخانه‌ها، پدید آورنده نقش‌ها، شکل‌های ساختمانی و اشارات و رمزهای ادبی باشد. خود تکیه‌ها و حسینیه‌ها به عنوان محل‌های برگزاری آیین‌های مذهبی، و پرچم‌ها و بیرق‌ها که نشان از علم حضرت عباس (ع) دارند، اسب زخمی امام حسین (ع)، کمان‌ها، نیزه‌ها و شمشیرها، لباس‌های سبز و سیاه و سفید ویژه اولیا و لباس سرخ اشقیا، لوازم و اسباب صحنه نمایش تعزیه‌خوانی شامل خیمه و ظرف آبی به نشانه فرات، همه و همه در هنگام نمایش از قدرت بیانی بالایی برخوردارند.

این‌گونه نمادها و تجسم‌های مذهبی الهام‌بخش هنرمندان منتسب به مکتب سقاخانه‌ای گردیدند. در واقع، این تجسم‌ها و تمثیل‌ها با روحیات مردم عجین شده و نوعی فهم نمادین بالایی ایجاد کرده‌اند. همین فهم نمادین بود که باعث گردید در برخورد با مکتب سقاخانه، احساسی مشترک در مردم به وجود آید و اقبال عمومی وسیعی برای دست‌کم دو دهه در هنر معاصر کشور را موجب شود.

دل شوریده نه از شور شراب آمده است / دین و دل، ساقی شیرین سخنم برده ز دست

ساقی باده توحید و معارف، عباس / شاهد بزم ازل، شمع شبستان «ألست»

* سقانفار

«سقانفار یا سقانالار» بنایی است با مواد و مصالح چوبی که در استان مازندران در کنار تکایا و مساجد و حتی در میان شالیزارها (برای عبادت شالی‌کاران در این مکان)، ساخته می‌شود. این بناها را به یاد سقای دشت کربلا، حضرت ابوالفضل (ع)، می‌سازند.

سقانفارها معمولاً دو طبقه‌اند؛ از طریق پلکان‌های چوبی از پایین به طبقه بالا می‌روند. طبقه اول آن مکانی است که معمولاً زنان محل در آن جمع می‌شوند و عزاداری می‌کنند و نیز وسایل پذیرایی از عزاداران در آن قرار می‌گیرد. طبقه دوم محلی است که مردان در طول شب‌های عزا و دهه اول ماه محرم در آنجا به عزاداری می‌پردازند.

سقانفارها با بار فرهنگی بسیار غنی و بهره‌گیری از پشتوانه سنت‌ها و آداب و باورداشت‌های شیعی مردم مازندران، روایتگر ایمان و دل‌سپاری جامعه کشاورزی مازندران به سالار شهیدان و برادر دلاورش سقای لب‌تشنگان، حضرت عباس (ع) هستند. این عزاداران مردم عادی ساده‌دل و مخلص هستند. اما آنچه این بنا را جزو نادرترین بناهای مذهبی قرار داده، ترکیب چند هنر معماری، نقاشی و خطاطی داخل آن است که در کل، شکل بدیع و منسجمی به وجود آورده است. این بناها - همان‌گونه که ذکر شد - تماماً از چوب ساخته شده و هنرمند بومی با توجه به فراوانی چوب در مازندران، مصالح مناسبی یافته و نقوش

باشکوهی را بر روی این چوب‌ها ایجاد کرده است. این نقوش مذهبی، نگاره‌هایی از عشق به شهادت در مذهب شیعه و تقریباً همانند مباحث مربوط به تعزیه و شبیه‌خوانی هستند که به تصویر کشیده شده‌اند. این هنرمندان بی‌ادعا - فارغ از قید هر سبک و مکتب، شفاف‌ترین و تمیزترین رنگ‌ها را برای برگزیدگان راه خدا می‌پسندند و در مقابل، رنگ‌های سرخ و کدر را برای کافران و اشقیاء انتخاب می‌کنند. این رنگ‌ها و طرح‌ها و نقش‌های پرمعنا، همراه با صفای هنرمندان، هر یک در جای خود، به این اماکن، که مستقیماً تحت تأثیر آیین تشیع هستند، حرمت و قداست خاصی می‌بخشند.

* آب انبار

آن فراتی را که مهر دختر پیغمبر است / آن فراتی را که ارث خسرو بی لشکر است

کی روا باشد ز جور فرقه بی انفعال / بهر شاه دین حرام و بهر دیو و دد حلال؟

تأثیر تشیع در یکی از ابنیه مهم ایران، یعنی «آب انبار»، درخور توجه است. آب انبار در سراسر راه‌های ایران و در شهرهای این سرزمین خدایی، به تعداد بسیار دیده می‌شود و بعضی از آن‌ها، که در شهرهای خشک و کم آب ساخته شده، خود اثری بسیار زیبا و از لحاظ معماری و مسائل مربوط به سنت پسندیده «وقف» شایان توجه است. در میان موقوفات، با توجه به اسناد و مدارک موجود، یادداشت‌های فراوانی در این زمینه وجود دارند و بسیاری از مردم مؤمن موقوفاتی برای احداث آب انبار و استفاده عموم و رایگان از این آب انبارها تعیین کرده‌اند. از این نظر، در برخی ولایات، آب انبار را «اهل ایمان» می‌گویند (مثل اردبیل و بسیاری از نقاط آذربایجان). سابقاً این آب انبارها کارکرد و عملکرد دقیقی در زندگی مردم داشتند. ساختمان آب انبار مسلماً در حیطة اماکن مقدّس و متبرّک و مطهّر بود و فرهنگ شیعی در اینجا هم خود را نمایان می‌سازد. کاشی‌های سر در این آب انبارها با کلماتی به خط نستعلیق جلی بسیار زیبا به رنگ سفید بر قطعات لاجوردی نوشته می‌شدند. چند رشته قنات برای هر آب انبار وقف می‌شدند و گاهی مستغلات فراوانی در اختیار بانیان این آب انبارها قرار می‌گرفتند. لایروبی این قنات‌ها نیز به همیاری مردم مؤمن انجام می‌گرفت؛ پیش از آنکه فصل زمستان برسد، به سرپرستی عده‌ای از مردم خیر هر شهر، مسیر قنات‌ها لایروبی و تمیز می‌شد تا در تمام فصل زمستان، مردم به راحتی از این آب انبارها، آب مصرفی خود را فراهم کنند. آب انبارها گاهی بسیار پایین‌تر از سطح زمین قرار داشتند؛ شاید قریب چهل پله، مردم را از در ورودی آب انبار تا محل اصلی می‌رساندند. علت این امر محفوظ ماندن آب از حرارت خورشید در تابستان و صولت سرما در زمستان بود. باورهای مذهبی اهل تشیع در شکل‌گیری این اماکن تأثیر بخصوص داشتند و هر دم که کوزه‌های آب توسط مردم مؤمن پر می‌شدند و رفع عطش می‌گردیدند، زمزمه می‌کردند:

به خاک و خون شدی غلطان، به دست شمر بی‌ایمان

حسین جان با لب عطشان، حسین جانم، حسین جانم.

* امامزاده‌ها

ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده‌ایم / از پی حادثه، اینجا به پناه آمده‌ایم

تأثیر تشیع در زیارت آستانه‌های مقدّس امامزادگان نظرکرده کاملاً آشکار است. آرامگاه هر یک از این عزیزان بنده خدا، بخصوص آقازاده‌هایی که صحن و سرای آن‌ها به زیارت‌نامه و شجره‌النسب مزین است و این امامزاده‌ها واجب‌التعظیم محسوب می‌گردند، درخور توجه و محلّ التجا و التماس و پاکی است. افزون بر اجرای مراسم زیبای بزرگداشت نکونامان و نکوکاران در صحنه لم یزلی عذارای قدسی، توسّل به انبیا و اولیا و فرزندان این عزیزان خدا، در قلمرو باورهای مردم مؤمن جایگاه ویژه‌ای دارد. «توسّل» وسیله‌جویی و حاجت خواستن از خداوند یا وسیله و شفیع قرار دادن پاکان و ائمه معصوم علیهم‌السلام از جمله حضرت سیدالشهداء و فرزندان و شهدای کربلاست. «توسّل» ارتباط با معصومان و اولیاءالله را به خاطر قرب مقام و منزلتشان نزد خدای متعال، آسان می‌سازد؛ چرا که این بزرگواران حقّ شفاعت دارند و سرسپردگان این اولیا برای استجاب دعا، دعای توسّل می‌خوانند و تقرّب به درگاه خداوند را برای برآمدن حاجت‌ها وسیله تسکین و آرامش قلوب

خود می‌شناسند. ساختمان این امامزاده‌ها در هر گوشه از ایران، محلّ تجمّع عاشقان آل‌الله است و از نظر آرایه‌ها و پیرایه‌ها و علم‌بندی‌ها و نگه‌داری پرچم‌ها و علم‌ها، درخور توجه می‌باشد و از دیدگاه ساختن ضریح، نمونه ذوق هنرمندان محسوب می‌گردد. بند بند اشعار مربوط به اولیاءالله به خط خوش، آیین‌بند دیوارها و حتی ضریح و صندوق چوبی و فلزی ساختمان امامزاده‌هاست. برخی از این امامزاده‌ها و قدمت ساختمان آنها، قدمت شهرسازی یا سکونت در روستا را نشان می‌دهد. بیتوته کردن در این اماکن و کسب شفای روحی و همدلی و همدردی با امامزاده‌هایی که روزگاری از جبر و جور اشقیاء به شهادت رسیده‌اند، از آمال و آرمان‌های زوّار و دل‌سپردگان به این امامزاده‌هاست که بخصوص پس از حرکت امام رضا (ع) از مدینه به سوی ایران و توس، برادران این امام همام به ایران رو آوردند و بسیاری از آنان متأسفانه توسط عمّال خلفای جور به شهادت رسیدند. اما مرقد و مشهد و آرامگاه آنان زیارتگاه عاشقان و اهل تشیّع گردیده است.

زورخانه و گود مقدّس زورخانه

خانه ورزش ما، جای هوسناکان نیست / جای پاکان بُود این، منزل ناپاکان نیست

زورخانه در نظر ورزش‌کار مؤمن، جای نیکان و پاکان و مکتب فتوّت و جوان‌مردی است. گفته‌اند: اهل زورخانه با توسّل به آداب و عادات شیعی و با در نظر گرفتن فتی‌فتیان، حضرت امیرمؤمنان (ع) به عنوان قطب الاقطاب، مراحل عرفان را طی می‌کنند و پاکی و جوان‌مردی خود را مدیون حیدر صفر می‌دانند و هر دم زمزمه می‌نمایند:

به ظاهر راست رو - اینک شریعت به باطن صاف شو - اینک طریقت

چو ظاهر را به باطن راست کردی خدا بین شو ز دل - اینک حقیقت

و معتقدند که شریعت و طریقت و حقیقت با معرفت و در نهایت، با فتوّت عجین گشته است.

از دیدگاه معماری، زورخانه بنایی است مسقّف که به وسیله پنجره‌ای که در سقف بنا تعبیه شده، ساختمان زورخانه نور می‌گیرد. گود زورخانه، که ورزش‌کاران در آنجا ورزش می‌کنند، پایین‌تر از سطح زمین قرار دارد تا ورزش‌کاران هنگام ورزش، نسبت به دیگران پایین‌تر قرار گیرند و در خود، احساس کبر و نخوت نکنند.

گود معمولاً به شکل کثیر الاضلاع است و به صورت چهارگوشه یا شش‌گوشه و هشت‌گوشه ساخته شده.

مفهوم «جوز سرشکستن» در زورخانه یعنی کبر و غرور را از خود دور کردن. بنابراین، در ورودی زورخانه را کوتاه می‌گیرند تا همه کسانی که وارد زورخانه می‌شوند، از ابوتراب حضرت علی (ع) و تواضع آن حضرت یاد کنند. سگویی به نام «سر دم» برای نشستن مرشد زورخانه برپا می‌دارند و از آنجاست که مرشد دم به دم مدح حضرت علی (ع) می‌خواند و در اعیاد، مدیحه‌خوانی می‌کند و در وفیات، به خواندن مراثی می‌پردازد. به جرئت، می‌توان حرمت و اعتبار ساختمان زورخانه را به تأثیر مستقیم تشیّع پیوند داد و اهل زورخانه را از سرسپردگان حضرت حق و اولیا و ائمّه اطهار علیهم‌السلام دانست.

ای آنکه زدی تیشه به اشجار حقیقت

تا بلکه کنی خسته طرفدار حقیقت

غافل که جهانی بشود یار حقیقت

خشکیده نشد نخل پر از بار حقیقت

کردی تو به پا محشر کبرا به قساوت

دادی تو در این ره به شقی درس شقاوت

تابان همه جا نور حقیقت ز حسین (ع) است

پیدا همه جا راه شریعت ز حسین (ع) است

راهی همه کس سوی طریقت ز حسین (ع) است

باشد همه جا یاور و غمخوار حقیقت.

* نتیجه گیری

هرچند تحریر مطالبی در زمینه تأثیر تشیع در ابنیه و اماکن مذهبی، کاری سخت و دشوار است، اما هنرمندان مخلص به وضوی مهر هر یک به سرسپاری به آل الله، شاه کارهای خود را در قاب آئینه صحن و سرای مساجد و تکیه‌ها و حسنیه‌ها و امامزاده‌ها و سقاخانه‌ها و زورخانه‌ها و ... عیان نموده‌اند تا از این طریق، به آئینه‌بندی دل‌های مؤمنان پردازند و دل‌ها را صفا بخشند و زنگار از آئینه دل‌ها بردایند و شک را برطرف سازند و به دامن حقیقت بیاویزند:

باطل همه جا در بر حق بوده به تزویر

با خدعه دهد جلوه، همه کرده و تقصیر

شاید که شود تابش حق جمله کمی دیر

لیکن نرود جلوه ز رخسار حقیقت.

در طریق دل‌سپاری به این اماکن، باید متوجه باشیم که خرافات را حتما از حیطة و حریم این اماکن دور نگه‌داریم. درود می‌فرستیم به روان هنرمندان جان‌شيفته و سلام بر هنرمندان مخلص که هر یک در آراستن و پیراستن این صحن و سراها جان صرف کرده‌اند و این اماکن را نه در بند یک ساختمان و متگی به مصالح مادی دانسته‌اند، بلکه بقاع متبرکه را از نفس قدسی و انفاس الهی اولیا آکنده‌اند.

هلا ای نگارگر چیره‌دست! دستان مریزاد که از مژگان خود قلم ساختی و از دوات خون‌بار چشم، جوهر سرخگون برگرفتی و شقاوت اشقیا را بر دیوارهای بقاع متبرکه نمایش دادی و حلاوت و ظرافت نگاه اولیا را عیان ساختی و به نشان ماتم‌داری، شال عزا بر گردن انداختی و بر سینه کوفتی و فریاد برداشتی که:

پشت نبی و آل نبی در جنان شکست

تا در جهان، سپاه‌شاه انس و جان شکست

در سینه‌شان ز شست و ز دست مخالفان

از هر طرف خدنگ خلید و سنان شکست.

بسیاری از جامعه‌شناسان وقتی در باب جامعه‌شناسی دینی و مذهبی سخن می‌گویند، به دقت قداست اشیا را در نظر می‌آورند که این اشیا و مصالح در برکت تقرب به نیکان و پاکان مقدس گشته‌اند.

امیل دورکیم، جامعه‌شناس معروف، اشیا را به «مقدس» و «غیرمقدس» تقسیم می‌کند؛ برخی ستودنی و ستایش‌کردنی و بعضی پست و به دور از پاکی و تطهیر هستند. فکر و اندیشه انسان نیز چنین است. این اندیشه پاک اهل تشیع است که به خاک بی‌مقدار جان می‌بخشد و فلز را بهادر می‌سازد و چوب و آئینه و گچ را ارزش می‌بخشد و روانداز مزار نیکان را به رنگ سبز و قدسی می‌آراید و از اشعار دلنشین، شأن و مقام اهل تقدس را بازگو می‌کند و فریاد می‌زند که هلا! بی‌وضو وارد گود مقدس زورخانه نشوید و بی‌نام علی (ع)، مرشدان با صوت جلی مطلبی آغاز نکنند و با یاد فرزندان علی (ع) مساجد را سیاهپوش سازند و تکیه‌ها را در سوگواره بیارایند:

رهرو راه پیمبر، حافظ دین مبینم

می‌روم سوی شهادت، تا بماند زنده دینم

گر شود پامال اسبانِ عدوی پُر ز کینم

این تن و جسم من و یاران با محنت قرینم

خوفی از دشمن ندارم، من شهید کربلایم

من حسین بن علی (ع) دردانه خیرالنسایم.

چنین مطالبی هستند که در و دیوار زیارت‌خانه‌ها را می‌آرایند و زوَّار را به رعایت قداست مکان ملزم می‌نمایند. اینجاست که هنرمند و معمار شیفته‌جان وضو می‌گیرد و به نام الله و به یاد اولیاءالله سنگ بر روی سنگ می‌گذارد و سقاخانه جان می‌سازد و طفلان نقش را در قنداقه سنگ و بوم و چوب و گچ و پارچه آرامش می‌دهد.

آری، از رخ نیلگون کاشی تا سیمای زعفرانی آجر و از رخسار سپید گچ‌بری‌ها تا دل نازک شیشه‌ها - هر یک - دربرگیرنده زیبایی‌های برگرفته از خط مشق هنرمندان عاشق رسول خدا (ص) و اولاد او و بنیانگذار مذهب شیعی علوی، حضرت مولی‌الموحدین علی (ع)، هستند.

این نکته در خور توجه است که چنین هنرمندانی صاحب‌دل، بی‌ریا و اهل صفا هستند و بسیار هنگام، هنر خود را وقف تحریر وقف‌نامه‌ها و کتیبه‌ها می‌نمایند؛ چرا که هنر، خود هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است برای اهدافی مهم، و ابزاری است برای معرفی پیام متعالی و دعوت به سوی حق و هدف والای الهی و انسانی.

گفته‌اند:

چون غرض آمد، هنر پوشیده شد / صد حجاب از دل به سوی دیده شد

از کسانی که از سنگاب‌های آراسته و نقوش قدسی آب خورده‌اند، تا کسانی که در سقاخانه‌ها بر سینه کوبیده و داغدار گشته‌اند، تا بانیان تکیه‌ها و حسینیه‌ها و عزاخانه‌ها و آینه‌بندان سقاخانه‌ها، همه می‌دانند که اگر معرفت و عشق در کار نباشد، زیبایی جلوه‌ای نمی‌یابد. سجده‌گاه‌ها و محراب‌ها و منبرها، رخت ماده را در عشق به اولیای خدا از خود دور می‌سازند و جنبه رمز و راز به خود می‌گیرند. اینجاست که تشیع راهی به دل‌ها می‌یابد و هنرمند شیعی هنر را با جهان‌بینی اهل تشیع درهم می‌آمیزد تا نگاره‌ها و آزاره‌ها و کنگره‌های هر ساختمانی را به نیکو وجهی مجسم سازد. انسان فقط گوشت و پوست نیست، قلب انسان خدای‌خانه است معمور. و احساس انسان کرانی ندارد، و چون می‌دانیم که: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ»، پس زیبایی و قلمرو زیبایی و مباحث زیبایی‌شناسی را در تأثیر تشیع بر ابنیه و اماکن مذهبی به آسانی درمی‌یابیم.

هر صحنه که باشد خبر از کشتن مظلوم

آن صحنه، نشان از خط خون‌بار حسین (ع) است.

* پی‌نوشت‌ها

1. Sociology of Co-operation.

2. Georges Gurvitch.

* فهرست منابع و مآخذ

- سهراب اسدی تویسرکانی، پیام‌آوران خونین بال، چ چهارم، نشر مؤلف، 1381؛
- نادیا بنیادلو، سقاخانه‌های تهران، مؤسسه فرهنگی هنری پیشین پژوه، 1381؛
- کریم پیرنیا، آشنایی با معماری اسلامی ایران،
تدوین غلامحسین معماریان، چ ششم، دانشگاه علم و صنعت ایران، 1381؛
- محمد مهدی حرزاده و ملیحه حرزاده، «یزد شهر سقاخانه‌ها»، فصلنامه فرهنگی - پژوهشی فرهنگ یزد، سال 4، ش 12 و 13 (پاییز و زمستان 1380)، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی یزد؛
- حسین سلطانزاده، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، آگاه، 1362.
- مهدی عباسی، تاریخ تکایا و عزاداری قم، ناشر: نویسنده، 1371؛
- عبدالله عقیلی، تاریخ آستانه ری، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، 1380؛
- جابر عناصری، تجلّی قرآن در قاب آیینه فرهنگ عامه ایران، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی قزوین، 1380؛
- _____ . سلطان کربلا، (شرح واقعه عاشورا)، زرّین و سیمین، 1382؛
- جواد محدّثی، فرهنگ عاشورا، معروف، 1374.

فارس

انتهای خبر/